

بہ نام دادار



دانشگاه علامه طباطبایی
دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی

بررسی اوستا- زند فرگرد دوم وندیداد

نگارش: زهرا امانی

استاد راهنما: دکتر مجتبی منشی زاده

استاد مشاور: دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته فرهنگ و زبانهای باستانی

فرم گردآوری اطلاعات پایان نامه ها
کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبایی

| |
|---|
| عنوان: بررسی اوستا- زند فرگرد دوم وندیداد |
| محقق/نویسنده: زهرا امانی |
| مترجم: ندارد |
| استاد راهنما: دکتر مجتبی منشی زاده استاد مشاور/ استاد داور: دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور/ دکتر محسن ابوالقاسمی |
| کتابنامه: دارد واژه نامه: دارد |
| نوع پایان نامه: بنیادی <input checked="" type="checkbox"/> توسعه ای <input type="checkbox"/> کاربردی <input type="checkbox"/> |
| مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد سال تحصیلی: ۸۹ |
| محل تحصیل: تهران نام دانشگاه: علامه طباطبایی دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی |
| تعداد صفحات: ۲۷۶ گروه آموزشی: زبانشناسی و آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان |
| کلید واژه ها به زبان فارسی: اوستا، زند، وندیداد، جم |
| کلید واژه ها به زبان انگلیسی: Avesta, Zend, Vendidad, Jam |

الف: موضوع و طرح مساله (اهمیت موضوع و هدف): اهمیت این پژوهش در مقایسه زبان مرده اوستا با زند، بررسی سیر تحول واژگان از دوره باستان تا دوره میانه و چگونگی بکارگیری واژگان و عبارات جدید به جای واژگان منسوخ است. هدف از انجام این پژوهش این است که وضعیت ترجمه این فرگرد در دوره میانه چگونه بوده است و زبان اوستایی که در دوره میانه زبانی مرده بوده تا چه میزان برای مفسر این متن قابل فهم بوده است.

ب: مبانی نظری شامل مرور مختصری از منابع، چارچوب نظری و پرسشها و فرضیه ها: پرسشهای تحقیق ۱: آیا مفسر متن اوستایی، از عهده ترجمه و تفسیر بی کم کاست آن برآمده است؟ ۲: آیا همه واژگان به دوره میانه رسیده اند؟ ۳: مترجم در روند ترجمه از چه تکنیک هایی استفاده کرده است؟ **فرضیه های تحقیق:** مترجم از عهده ترجمه ای بی نقص بر نیامده است، به دلیل مرده بودن زبان اوستایی در دوره میانه، مترجم در روند ترجمه دچار مشکلاتی شده است. همه واژگان به دوره میانه نرسیده اند. تعدادی از واژه ها منسوخ و مترجم به جای آن از واژه جدید استفاده کرده؛ بعضی از واژه ها سیر تحول را طی کرده و به دوره میانه رسیده اند، در این مورد مترجم صورت تحول یافته واژه را جایگزین کرده است. به جای بعضی از واژه ها عبارت بکار برده و در واقع واژه مورد نظر را شرح داده است.

پ: روش تحقیق شامل تعریف مفاهیم، روش تحقیق، جامعه مورد تحقیق، نمونه گیری و روشهای نمونه گیری، ابزار اندازه گیری، نحوه اجرای آن، شیوه گرد آوری و تجزیه و تحلیل داده ها: کتاب دینی زردشتیان اوستا نام دارد. اوستا شامل متونی است که خصوصاً در مراسم دینی از آنها استفاده می شود و آنرا به پنج بخش تقسیم می کنند: یسن ها، ویسپرد، وندیداد، یشتها، خرده اوستا. وندیداد بخشی از اوستاست که از ۲۲ فرگرد یا فصل تشکیل شده است. لغت وندیداد که صورت قدیم تر آن ویدیو داد *vi.daēva.dāta* است به معنی «کسی است که قانونش جدایی و دوری از دیوان است». زند تفسیر پهلوی اوستاست که در دوره ساسانیان صورت گرفته است. روش تحقیق کتابخانه ای/توصیفی - تحلیلی است. رساله حاضر از پنج بخش تشکیل شده است و نحوه اجرای آن بدین صورت است. بخش اول: مقدمه. بخش دوم: متن اوستایی و متن زند برگرفته از نسخه دستور هوشنگ جاماسب آسانا، آوا نویسی متن زند طبق شیوه جدید، مکنزی و ترجمه متن اوستا و زند. بخش سوم: بررسی واژگانی دو متن به صورت تطبیقی. بخش چهارم: دو واژنامه مقایسه ای اوستایی-پهلوی-فارسی و واژه نامه پهلوی-اوستایی-

فارسی. بخش پنجم: نتیجه گیری و در آخر کتابنامه آمده است که به روش جدید می باشد. هدف از انجام این پژوهش این است که وضعیت ترجمه این فرگرد در دوره میانه چگونه بوده است و زبان اوستایی که در دوره میانه زبانی مرده بوده تا چه میزان برای مفسر این متن قابل فهم بوده است.

ت: یافته های تحقیق: تغییر و تحولات واژگانی و گرامری و آوایی که در طول دوره باستان تا دوره میانه بر زبان وارد شده است.

نتیجه گیری و پیشنهادات: اوستا زبانی صرفی است و الگوهای توافقی در آن بسیار است (مانند تابعیت و توافق اسم و صفت و مضاف و مضاف الیه) اوستا زبانی است که به سبب صرفی بودن، هر کلمه، در هر جای جمله نقش خود را حفظ می کند پس آرایش کلمات ندارد. اما زبان پهلوی صرفی نیست، دارای آرایش کلمات است. از طرف دیگر زبان اوستایی در دوره میانه زبانی مرده محسوب می شده و این مسایل موجب شده که مترجم در ترجمه متن اوستایی به پهلوی تغییراتی را اعمال و نیز گاهی در روند ترجمه دچار اشتباهاتی شود. و در روند ترجمه روش ها و تکنیک های را نیز بکار برد.

صحت اطلاعات مندرج در این فرم بر اساس محتوای پایان نامه و ضوابط مندرج در فرم را گواهی می نمایم.

نام استاد راهنما: دکتر مجتبی منشی زاده

سمت علمی: استاد

نام دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی

رئیس کتابخانه:

تقدیم

به مادر نازنین ام؛

فرشته ای که رنجها را بر خود هموار کرد تا بال پرواز
من گردد.

به پدر بزرگوارم؛

توانایی که از پا نشست تا من به پا خیزم.

و به همسر مهربانم؛

به پاس همه صبوریهایش.

تقدیر

گفت استاد مبر درس از یاد یاد باد آنچه به من گفت استاد

هر چه میدانست آموخت مرا غیر یک نکته که ناگفته نهاد

قدر استاد نکو دانستن حیف استاد به من یاد نداد

سپاس خدا را که توفیق دانش اندوزی و پیمودن راه معرفت را ارزانی‌ام داشته است. حرکت در این مسیر، میسر نمی‌گشت مگر با بهره‌مندی از چراغ روشنگر دانش و فضیلت اساتید بزرگوار و فرزانه‌ام، بخصوص جناب آقای دکتر مجتبی منشی زاده که در انجام این تحقیق راهنمای من بودند. ایشان هیچگاه هدایت‌های حکیمانه‌شان را از من دریغ نفرمودند و با سخاوت علمی بی‌نظیر در این راه قدم به قدم مرا یاری رساندند و همواره در طول تحصیل با سعه صدر فراوان چراغ راه این همیشه شاگردشان بوده اند. از ایشان صمیمانه قدردانی و تشکر می‌کنم.

همچنین از استاد گرانقدرم جناب آقای دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور به خاطر پذیرش مشاوره این پایان نامه سپاسگزارم که در زمانی کوتاه و با وجود مشغله زیاد با دقت نظر این پایان نامه را مطالعه فرموده و مرا از نظرات استادانه خویش بهره مند نمودند.

و از داور بزرگوار جناب آقای دکتر محسن ابوالقاسمی که وجود گوهر بارشان مایه مباهات جامعه فرهنگ و ادب ایران زمین است، بسیار سپاسگزارم در پایان از همه اساتید فرهیخته فرهنگ و زبانهای باستانی که مرا با الفبای این رشته آشنا کردند کمال تشکر را دارم.

چکیده

کتاب دینی زردشتیان اوستا نام دارد. اوستا شامل متونی است که خصوصاً در مراسم دینی از آنها استفاده می شود و آنرا به پنج بخش تقسیم می کنند: یسن ها، ویسپرد، وندیداد، یشتها، خرده اوستا. وندیداد بخشی از اوستاست که از ۲۲ فرگرد یا فصل تشکیل شده است. لغت وندیداد که صورت قدیم تر آن ویدیو داد *vi.daēva.dāta* است به معنی «کسی است که قانونش جدایی و دوری از دیوان است». فرگرد دوم وندیداد که موضوع این پژوهش است داستان جمشید و زمستانی مرگبار است که در جهان اتفاق افتاده و قلعه ای که جمشید برای حفظ آفریدگان اورمزد ساخته است. رساله حاضر از پنج بخش تشکیل شده است. بخش اول: مقدمه. بخش دوم: متن اوستایی و متن زند برگرفته از نسخه دستور هوشنگ جاماسب آسانا، آوا نویسی متن زند طبق شیوه جدید، مکنزی و ترجمه متن اوستا و زند. بخش سوم: بررسی واژگانی دو متن به صورت تطبیقی. بخش چهارم: دو واژه نامه مقایسه ای اوستایی_پهلوی_فارسی و واژه نامه پهلوی_اوستایی_فارسی. بخش پنجم: نتیجه گیری و در آخر کتابنامه آمده که به روش جدید می باشد. هدف از انجام این پژوهش این است که وضعیت ترجمه این فرگرد در دوره میانه چگونه بوده است و زبان اوستایی که در دوره میانه زبانی مرده بوده تا چه میزان برای مفسر این متن قابل فهم بوده است.

واژگان کلیدی: اوستا، زند، وندیداد، جم

فهرست مطالب

فصل اول

۱-۱ مقدمه ----- ۱۳

۱-۲ بیان مسأله ----- ۱۸

۱-۳ پرسشهای تحقیق ----- ۱۸

۱-۴ فرضیه های تحقیق ----- ۱۹

۵-۱ اهداف تحقیق ----- ۱۹

۶-۱ پیشینه تحقیق ----- ۱۹

۷-۱ شیوه کار و فصل بندی رساله ----- ۲۲

فصل دوم

متن اوستایی و پهلوی فرگرد دوم و آوانویسی و ترجمه متن اوستایی و پهلوی ----- ۲۴

فصل سوم

توضیح واژگانی ----- ۷۵

فصل چهارم

۱۸۹ ----- واژه نامه اوستایی پهلوی فارسی

۲۲۹ ----- واژه نامه پهلوی اوستایی فارسی

فصل پنجم

۲۶۷ ----- نتیجه گیری

۲۷۲ ----- کتابنامه

۲۷۵ ----- چکیده انگلیسی

اختصارات:

رجوع کنید به: →

همان: ~

DR: Datoor rustamji

DPS: Darab pashutan sanjana

DJE: Aērpat jamshid son of dastoor edalji

DN: Dastoor noshirwan

G: Geldner

DJJ: Dastoor jamshid jamasp

فصل اول

۱-۱-۱ مقدمه

۱-۱-۱ اوستا

کتاب دینی زردشتیان اوستا نام دارد و بدین جهت زبانی را که این کتاب بدان نوشته شده اوستایی نامیده اند. خط اوستایی بر اساس خط ناقص پهلوی و آوانگار است. اوستایی زبانی متعلق به مشرق ایران بوده است و امروزه بیشتر دانشمندان معتقدند که این زبان به نواحی آسیای میانه، احتمالاً به ناحیه خوارزم تعلق داشته است و منظور از ایرانویج مذکور در اوستا همین ناحیه بوده است. اوستایی که اکنون در دست است تنها یک چهارم کتابی است که در دوره ساسانیان وجود داشته است. چنین نظری مبتنی بر مقایسه ای است میان خلاصه ای از اوستای ساسانی به پهلوی که در کتاب هشتم دینکرد آمده، با آنچه که امروز موجود است. اوستای موجود شامل متونی است که خصوصاً در مراسم دینی و عبادی از آنها استفاده می شود و آنرا به پنج بخش تقسیم می کنند: یسن ها، ویسپرد، وندیداد، یشتها، خرده اوستا (تفضلی ۱۳۷۷: ۳۶).

۱-۱-۲ وندیداد

وندیداد نام بخشی از کتاب اوستاست که از ۲۲ فرگرد یا فصل تشکیل شده است. لغت وندیداد که صورت قدیم تر آن ویدیو داد *vi.daēva.dāta* است اصلاً به معنی «کسی است که قانونش جدایی و دوری از دیوان است». «دیو» در اصل به معنی خدا بوده است. یعنی آن دسته از خدایان هند و ایرانی که زردشت آنها را مطرود دانسته است. بعدها در دوره ساسانی که «دیو» از معنی اصلی خود که «خدا» و سپس «خدای مطرود» است به معنی امروزی یعنی «شیطان، عفريت» در آمد، در هنگام تدوین و تقسیم اوستا به نسک ها این بخش از کتاب را که درباره آیین پاکی و طهارت و دوری از پلیدی دیوان است، به این نام خوانده اند. وندیداد تنها نسک دوره ساسانی است که به صورت کامل به دست ما رسیده است و نوزدهمین نسک اوستا به شمار می رفته است. وندیداد مجموعه قوانین طهارتی و گناهان و جرائم و تاوان آنهاست که به صورت سؤال و جواب تدوین شده است. (پیشین: ۶۰-۶۱).

۳-۱-۱ فرگرد دوم وندیداد

فرگرد دوم وندیداد که موضوع بررسی این پژوهش است داستان جمشید و زمستانی مرگبار است، جمشید برای نجات آفریدگان هرمزد از آن زمستان مرگبار وری می سازد و آفریدگان هرمزد را برای نجات به آن ور می برد. این فرگرد را می توان به دو بخش تقسیم کرد: بخش اول از بند یک تا بند بیست. در این بخش اهورامزدا به جم پیشنهاد می کند که دین را بپذیرد و پیامبر او باشد و جمشید نمی پذیرد، سپس می پذیرد که آفریدگان را نگهدارند و افزایش دهد، مرگ و بیماری را از آنها دور سازد و سه بار زمین را برای آفریدگان که به تنگ آمده بود، فراخ کند. بخش دوم که از بند بیست و یک تا پایان این فرگرد را شامل می شود درباره نزدیک شدن سرمای سخت و مرگ آور است که همه مخلوقات را از بین می برد و اهورامزدا به جم اطلاع می دهد که برای محافظت و دوام قلعه ای بسازد و از تخمه همه موجودات خوب بدانجا ببرد. در فرگرد دوم به مهاجرت اقوام آریایی از ایرانویج اشاره ای مبهم رفته است و بنابراین، پس از گذشت سیصد سال از سلطنت جمشید، زمین بر گوسفندان و ستوران و مردمان تنگ آمده، جمشید به سوی نیمروز (جنوب) پیش رفت و زمین در برابر او هموار گشت و بگسترده و مردمان بر این مرز و بوم تازه بگسترده و این حرکت و گسترش دو بار دیگر رخ داد و در طی نهصد سال زمین سه بار بزرگتر شد و مردم در جهان پراکندند. از مجموع این اشارات برمی آید که سرما و افزایش رمه، آریاییان را از سرزمین اصلی خود در شمال، راهی جنوب گرمتر کرده است. آریاییان با اقتصادی که عمدتاً متکی بر شبانی بوده است، قادر به مهاجرت بزرگ خویش شدند و از طریق جلگه های هموار و گسترده فرود آمدند، تا سرانجام به سرزمین های کوهستانی در جنوب رسیدند (بهار، ۱۳۸۷: ۳۸۹-۹۰).

۴-۱-۱ جمشید

جم از کهنترین چهره های اساطیر هند و ایرانی است، در اساطیر ودایی جم سرور جهان مردگانی است که به سعادت ابدی رسیده اند، یعنی فرمانروای بهشت برین. او با خدایان جهان ودایی به دوستی و خوشگذرانی سرگرم است و بخصوص با ورونه و اگنی، خدای آتش، در ارتباط است. اگنی دوست جم و پریستار اوست. خدایی به اتفاق یمه (که ظاهراً هر دو یکی اند) اگنی یا آتش

پنهان شده را می یابند. او حتی گاه نام خداوند دارد، هر چند مشخصاً و مستقیماً با این نام خوانده نشده و تنها سمت مشخص او شاه بودن است. او شاه جهان مردگان سعادت‌مند است. یمه و ورونه دو شاهی هستند که در بهشت به پذیره مردگان می آیند. او گردآورنده مردم است، او راحت بخش مردگان است. او برترین آسمان را در اختیار دارد و در آنجا مسکن گزیده است. در این جایگاه وی که منزل خدایان نیز هست، یمه در میان سرودها و آوای نی به سر می برد. پدر او *vivasvat* و مادرش *saranyū* است. او خواهری دارد به نام *yamī* به معنای همزاد، در واقع در ارتباط یمه و خواهرش یمی است. مردمان این جهان فرزندان خواهر و برادراند. بنا به اساطیر هندوایرانی که آثار آن در وداها و اساطیر ایرانی باز مانده است، می توان معتقد شد که هندوایرانیان معتقد بودند این برادر و خواهر نخستین پدر و مادر جهانیان اند. گناهی که در وداها بر عهده جم قرار می گیرد این است که به تحریک خواهرش با وی همبستر می شود و از این طریق مردمان پدید می آیند. البته باید توجه داشت که این تنها اسطوره مربوط به نخستین انسان در اساطیر ودایی نیست. بنا به اساطیر ریگ ودایی، ویوسوت، پدر یمه دو پسر دیگر هم بعد از یمه داشته است، به نامهای *manu* و *trita* که در اوستا نام این دو، علاوه بر یمه آئویه *-āōwya* و ثریته *-ōrita* است.

درباره ویوسوت که همان ویوهونت اوستایی (*vīvahvant*) و ویونگهان (*wīwanghān*) ادبیات پهلوی است، باید گفت که در ادبیات اوستایی وی نخستین کسی است از مردم که گیاه هوم را می فشارد و جم به پاداش این عمل، به عنوان پسری برای او زاده می شود. نام او به احتمال با درخشیدن مربوط است. الدنبرگ گمان دارد که ویوسونت از کهنترین پرستاران هندوایرانی است که آیین یزش و فشردن هوم با او مربوط بوده است و بعدها به علت همین تقدس به مقام خدایی در ذهن مردم ارتقا یافته است. (پیشین: ۲۲۵).

نام جمشید علاوه بر فرگرد دوم وندیداد در جاهای دیگری از اوستا نیز ذکر شده که به اختصار به آن می پردازیم:

آبان یشت، رام یشت، ارد یشت، یسنا ۳۲ و ۹، زامیاد یشت، فروردین یشت و درواسپ یشت.

یسنا ۳۲ قطعه ۸: «از همین گناهکاران است جم پسر ویونگهان، کسی که از برای خشنود ساختن مردمان گوشت خوردن به آنها آموخت در آینده تو ای مزدا باید میان من و او حکم کنی»

یسنا ۹ قطعه ۲-۵: «زردشت از هوم پرسید که تو را در میان مردمان نخستین بار در این جهان مادی بیفشرد و چه پاداشی نصیب آن کس گردید. هوم در پاسخ گفت نخستین بشری که مرا در این جهان مادی بیفشرد ویونگهان است در پاداش پسری مانند جمشید که دارنده رمه خوب و در میان مردم دارای بلندترین رتبه است و مانند خورشید درخشان است. به او داده شد کسی که در مدت سلطنت خویش جانوران و انسان را فنا ناپذیر، آب و گیاه را مشروب و ماکول تمام نشدنی قرار داد. در مدت سلطنت جم دلیر نه سرما وجود داشت و نه گرما، جهان از مرگ و از حسد آفریده دیو عاری بود، در هنگام شهریاری جمشید پسر ویونگهان، پدر و پسر هر دو به ظاهر جوان پانزده ساله می نمودند».

در قطعه ۲۵ آبان یشت اینگونه آمده که جمشید دارنده رمه خوب در بالای کوه هکر صد اسب، هزار گاو، ده هزار گوسفند برای آناهیتا قربانی نموده و از او تمنا کرد که وی را در همه ممالک بزرگترین شهریار گرداند که وی را به دیوها و مردمان و جادوان و پریها و کویها و کرپنهای ستمکار چیره سازد و از دیوها ثروت و بهره و فراوانی و رمه و خرسندی و تشخیص را دور بدارد. ایزد ناهید وی را کامروا ساخت. در درواسپ یشت نیز جمشید به ترتیبی که در آبان یشت گذشت، از برای ایزد گوش قربانی نموده و درخواست می کند که وی را موفق بدارد، از آنکه او بتواند برای مخلوقات، گله و رمه مهیا سازد. گرسنگی و تشنگی و پیری و مرگ را از آنان دور نماید که در مدت هزار زمستان (هزار سال) جهان را از باد گرم و سرد ایمن بدارد، ایزد گوش نیز حاجت او را برآورد. در فروردین یشت در فقره ۱۳۰ آمده است ما به فروهر پاک جم پسر ویونگهان توانا و دارنده رمه درود می فرستیم تا به ضد فقرات که دیوها آورده اند استقامت توانیم نمود و به ضد خشکی و احتیاج ایستادگی توانیم کرد. در رام یشت در فقره ۱۳-۱۵ باز جمشید از کوه هکر در بالای تخت زرین برای ایزد وایو (فرشته هوا) نثار آورده، همان تمناهایی که از آناهیتا داشت، در اینجا از فرشته هوا نموده و کامروا می گردد. در ارت یشت در فقرات ۲۸-۳۱ باز به جمشید بر می خوریم که به ترتیب مذکور در درواسپ یشت از ارت (فرشته ثروت)

طلب می کند که حاجاتش را برآورد. زامیاد یشت نسبتاً مفصل تر از جمشید صحبت می کند، بخصوص مندرجات آن مفید و سرچشمه مطالبی است که در کتب تاریخ و شاهنامه راجع به جمشید مندرج است. در فقرات ۳۱-۳۸ چنین آمده است: « فر مدت زمانی از آن جمشید بود، کسی که در روی هفت کشور سلطنت داشت، به دیوها و مردمان و جادوان و پریها و کوی ها و کرپن ها مسلط بود. جم از دیوها ثروت و سود برپود، فراوانی و گله و رمه و خوشی و جاه و جلال را از آنان دور بداشت. در مدت حکومت وی خوردنی و آشامیدنی پوسیده و فاسد نمی شد، نه سرما و نه گرما وجود داشت و نه پیری و مرگ و رشک آفریده دیو اینچنین بود، تا به وقتی که او دروغگویی آغاز نمود و خیال خود را به دروغ مشغول ساخت، آنگاه فر از او به صورت مرغی جدا گشته به مهر رسید، بار دوم فر از او جدا شده به فریدون رسید، بار سوم فر از او جدا گشته به گرشاسب رسید. پس از آنکه فر از جمشید دور شد او افسرده و پریشان گرد جهان همی گشت، بناچار بایستی به خصومت دشمن تن در دهد» در فقره ۴۶ زامیاد یشت آمده است سپیتور جم را با اره دو پاره نمود. در فصل ۳۱ بندهش در فقره ۵ آمده است: «سپیتور برادر جمشید است که با اژی دهاک (ضحاک) جمشید را کشت. (پورد/وود، ۱۳۷۷: ۱۸۰-۸۷)

۵-۱-۱ زند

ترجمه و تفسیرهای پهلوی بر اساس اوستای مدون و مکتوب ساسانی به وجود آمده است. اما نیاز به ترجمه اوستا بی شک از دیر زمان محسوس بوده است زیرا در دوره اشکانیان و بیشتر در عهد ساسانیان زبان اوستایی زبان مرده ای به شمار می رفت که فقط موبدان آن را می دانستند. ترجمه و تفسیر اوستا به پهلوی که اصطلاحاً زند خوانده می شود که معنی اصلی آن توضیح و تفسیر است. از دیر زمان اصطلاح زند و اوستا با هم خلط شده اند اما نویسندگان کتب پهلوی اوستا را غالباً برای متن اصلی و زند را در مورد ترجمه و تفسیر آن بکار برده اند، گاهی هم این دو را با هم خلط کرده اند. (تفضلی، ۱۳۷۷: ۳۷)

۲-۱ بیان مسأله

این پژوهش به بررسی واژگانی اوستا_زند فرگرد دوم وندیداد می پردازد، سعی پژوهشگر در بررسی زبانی این متن از لحاظ آوانویسی متن زند و ترجمه دو متن اوستا و زند، بررسی واژگانی و تغییر و تحولات واژگان در حین ترجمه متن اوستایی به پهلوی و ارائه دو واژه نامه مقایسه ای می باشد. مترجم در روند ترجمه و تفسیر متن اوستایی به پهلوی از روش ها و تکنیک های مختلفی استفاده کرده است که در اینجا برای روشن شدن موضوع به طور مختصر به آن می پردازیم.

مترجم در روند ترجمه به جای واژگان منسوخ واژگان جدید بکار برده است. برای مثال صفت *aota* به معنی سرد به دوره میانه نرسیده و مترجم به جای آن از واژه *sard* استفاده کرده است.

در مواردی که واژه سیر تحول خود را طی کرده و به دوره میانه رسیده، مترجم صورت تحول یافته را جایگزین کرده است، جز مواردی که بار معنایی آن واژه تحول یافته، در دوره میانه تغییر کرده باشد. برای مثال واژه اوستایی *ahurəm mazdām* به صورت *Öhrmazd* به دوره میانه رسیده است.

مترجم یا به عبارت دیگر مفسر متن اوستایی بعضی از واژه ها را که برای آن معادل نیافته شرح داده است. برای مثال به جای واژه *aiwiyāxštar* به معنی نگهبان و نگهدار عبارت فعلی *pad nigāh dārišnīh* به معنی نگاهداری و نگهبانی کردن، را قرار داده است.

۳-۱ پرسشهای تحقیق

۱-۳-۱ آیا مفسر متن اوستایی، از عهده ترجمه و تفسیر بی کم کاست آن برآمده است؟

۱-۳-۲ آیا همه واژگان به دوره میانه رسیده اند؟

۱-۳-۳ مترجم در روند ترجمه از چه تکنیک هایی استفاده کرده است؟

۱-۴ فرضیه های تحقیق

۱-۴-۱ مترجم از عهده ترجمه ای بی نقص بر نیامده است، به دلیل مرده بودن زبان اوستایی در دوره میانه، مترجم در روند ترجمه دچار مشکلاتی شده است.

۱-۴-۲ همه واژگان به دوره میانه نرسیده اند.

۱-۴-۳ تعدادی از واژه ها منسوخ و مترجم به جای آن از واژه جدید استفاده کرده؛ بعضی از واژه ها سیر تحول را طی کرده و به دوره میانه رسیده اند، در این مورد مترجم صورت تحول یافته واژه را جایگزین کرده است. به جای بعضی از واژه ها عبارت بکار برده و در واقع واژه مورد نظر را شرح داده است.

۱-۵ اهداف تحقیق

وضعیت ترجمه این فرگرد در دوره میانه چگونه بوده است و زبان اوستایی که در دوره میانه زبانی مرده بوده تا چه میزان برای مفسر این متن قابل فهم بوده است. ضرورت آن در مقایسه زبان مرده اوستا با زند، بررسی سیر تحول واژگان از دوره باستان تا دوره میانه و چگونگی بکارگیری واژگان و عبارات جدید به جای واژگان منسوخ است.

۱-۶ پیشینه تحقیق

کسانی که تا کنون اوستا را مورد بررسی قرار داده اند:

ترجمه های اوستا به فرانسوی:

انکتیل دوپرون^۱ خاورشناس فرانسوی در سال ۱۷۷۱ گاهان اوستا را به فرانسه ترجمه کرد و آن را در پاریس منتشر کرد.

ترجمه های اوستا به آلمانی:

شپیگل^۲ در سال ۱۸۵۲ گاهان را به آلمانی ترجمه کرد.

ولف^۳ در سال ۱۹۱۰ اوستا را به آلمانی ترجمه کرد، نام کتاب او *Avesta: Die heiligen Bucher der parsen* است.

کریستیان بارتولومه^۴ زبانشناس و شرق شناس آلمانی اوستا را به آلمانی و در سال ۱۸۸۹ فرهنگ اوستایی منتشر کرد.

هومباخ^۵ گاهان را به آلمانی ترجمه کرد.

ترجمه های اوستا به انگلیسی:

استنلی اینسلر^۶ در سال ۱۹۷۵ گاهان را به انگلیسی ترجمه کرد.

هومباخ گاهان را در سال ۱۹۹۸ به انگلیسی ترجمه کرد.

رایشلت^۷ در کتاب *خواندن اوستا* فرگرد دوم و هفدهم و نندیداد را به طور کامل و برگزیده هایی از فرگرد سوم، پنجم، ششم، هشتم، سیزدهم، پانزدهم، هجدهم و نوزدهم را با الفبای اوستایی آورده است. وی واژه های دشوار را به انگلیسی شرح و ترجمه کرده است. وی بندهای بیست و شش تا چهل و یک و نندیداد ششم و بندهای سیزدهم تا بیست و نهم و نندیداد هجدهم را در کتاب *ابتدایی اوستا* آورده است.

^۱ Anquetil Duperron

^۲ Spiegel

^۳ Wolff

^۴ Christian Bartholomae

^۵ Humbach

^۶ Stanley Insler

^۷ Reichelt